

مهاجرت چچنی‌ها و چرکسی‌ها به زرقاء: پیامدهای فرهنگی و سیاسی

یونس فرهمند^۱، قدریه تاج بخش^۲

(دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۰۶، پذیرش نهایی: ۹۵/۱۱/۱۹)

چکیده

این مقاله زمینه‌ها و علل مهاجرت طوایف چچنی و چرکسی به شام را بررسی خواهد کرد؛ سیاست توسعه طلبی روسها در مناطق مسلمان نشین شمال قفقاز و سواحل دریای سیاه و تصرف این مناطق در ۱۲۸۱ق، گروه‌های بسیاری از مسلمانان چرکسی و چچنی را آواره کرد. دولت عثمانی که با روسها درگیر بود، در فاصله سال‌های ۱۲۹۶-۱۳۲۷ق، شماری از آوارگان را با هدف به کارگیری آنها در فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی، در مناطقی از شام اسکان داد. این پناهنجویان به پشتیبانی دولت عثمانی، در نزدیکی رود زرقاء، شهری بدین نام بنا کردند و علاوه بر کمک به رونق اقتصادی و تجاری منطقه، در جنگ اول جهانی به قوای عثمانی خدمات ارزنده‌ای ارائه کردند. آنها پس از جنگ نیز زرقاء را پناهگاه استقلال طلبان کردند و برخی در راه استقلال اردن، کشته شدند.

کلید واژه‌ها: اردن، روسها، زرقاء، طوایف چچنی و چرکسی، عثمانی‌ها

۱. گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: farahmand@srbiau.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران. Email: ghtajbakhsh@yahoo.com

طرح مسئله

شهر زرقاء مرکز استانی به همین نام، در کشور اردن است که بر اساس سرشماری سال ۲۰۰۹م، حدود ۵۳۸، ۴۶۰ تن جمعیت داشته است (United Nations demographic year book 2009- 2010, 342). بخش اعظم جمعیت این شهر، علاوه بر عربان بادیه نشین مسلمان، چچنی‌ها و چرکسی‌ها هستند. همچنین اقلیت‌های دینی و مذهبی دیگری چون مسیحیان و دروزیان در زرقاء زندگی می‌کنند (ناشخو، ۱۳۴-۱۳۶؛ شیشانی، ۳۰۹-۳۱۰؛ Pati, 40).

در تحولات تاریخی منطقه زرقاء در سده سیزدهم هجری، دو حادثه از اهمیت بیشتری برخوردار است. نخست، پایان یافتن جنگ روسها با ساکنان شمال قفقاز و تسلط بر آنها بر این منطقه و دوم مهاجرت اجباری گروه عظیمی از آوارگان طوایف مختلف چرکسی و چچنی از شمال قفقاز به نواحی تحت سلطه عثمانی بویژه در شام و نیز پناهندگی آنها به دولت عثمانی ارائه خدمات سیاسی، نظامی و اقتصادی به عثمانیان. چرکسی‌ها و چچنی‌ها در سده سیزدهم هجری به تدریج و در چند مرحله، در مناطق مختلف شام از جمله در نواحی غیر مسکونی اردن، ساکن شدند. سکونتگاه‌ها و روستاهای آنها به تدریج به شهرهایی بزرگ تبدیل شد. شهر زرقاء از مهم‌ترین شهرهایی است که چرکسی‌ها و چچنی‌ها در ساخت آن نقش مهمی داشتند.

این مقاله با استناد به یادداشت‌های مؤتق سه چچنی به نام‌های حسن حسنی عبدالقادر شیشانی، مرزا بن سلمرزا بن شحمرزا و حاج محمد جعفر جانبی که از پناهجویان مهاجر به شام بودند و در مهاجرت‌ها و منازعات با روسها و هم پیمانی با عثمانیان، نقش مهمی داشتند، نوشته شده است. ناشخو (۳۰۴-۳۲۷) خاطرات و یادداشت‌های این سه نفر را در بخش "ملاحق و وثائق" کتاب خویش، به قرار زیر آورده است:

۱- «مُدَّگَرَاتِ حَسَنِ حَسَنِی عَبْدِالقَادِرِ شِیشَانِی»، وی از جمله رؤسای چچنی بود که در ۱۳۱۱ ه. ق. ناگزیر از قفقاز مهاجرت کرد و به ارتش عثمانی پیوست. وی به سبب خدمات ارزنده به عثمانی‌ها، به منصب نظامی «نقیب» دست یافت و پس از سقوط عثمانیان نیز به ارتش استقلال طلب عرب، پیوست (همان، ۱۴). آگاهی‌های ارائه شده از سوی شیشانی درباره مهاجرت چچنی‌ها و چرکسی‌ها، سکونت آنها در زرقاء، وقایع سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۴۵ ه. ق. و رویدادهای مرتبط با جنگ اول جهانی و نیز استقلال کشورهای عربی بویژه اردن و سوریه، بسیار ارزشمند است (همان، ۳۰۴-۳۱۰).

۲- «مُدَّكَرَات مُرْزَا بِن سَلْمُرْزَا بِن شَحْمُرْزَا»، وی در قفقاز زاده شد و به همراه قبایل چچنی به شام مهاجرت کرد و در زرقای کنونی رحل اقامت افکند (همان، ۱۵). او درباره وضع مهاجران چچنی به هنگام رسیدن به زرقاء و چگونگی اسکان آنها اطلاعاتی بی‌واسطه و دقیق ارائه کرده و مهاجرت آنها را همانند هجرت پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - دینی و نه سیاسی پنداشته است (همان، ۳۱۴-۳۲۷).

۳- «مُدَّكَرَات حَاج مُحَمَّد جَعْفَر جَانِبِي»، جانبی، خط سیر مهاجرت چچنی‌ها در سرزمین‌های تحت سیطره دولت عثمانی از جمله قلعه حسن، تشکیل کمیته تحقیق درباره اراضی واقع در حوران و بلقاء در ۱۳۱۸هـ ق و سپس مهاجرت دسته جمعی و طایفه‌ای از آنجا را در یادداشت‌های خود شرح داده است (همان، ۳۱۱-۳۱۳).

نوشتار حاضر پس از بررسی جغرافیای تاریخی زرقاء از آغاز تا سده دوازدهم هجری، بر پایه یادداشت‌های روزانه فوق و دیگر منابع معتبر، به این پرسش‌ها، پاسخ خواهد داد: زمینه‌ها و علل مهاجرت چچنی‌ها و چرکسی‌ها به زرقاء، در سده سیزدهم هجری چه بود؟ طوایف مختلف چچنی و چرکسی چه نقشی در بنای شهر زرقاء و استقلال اردن داشتند؟

پیشینه تحقیق

مدخل Al-Zarka نوشته محمد عنان البخیت^۱ در دایره المعارف اسلام، گزارشی مختصر، توصیفی و فاقد تحلیل از شهر زرقا به دست داده است و نمی‌توان آن را در شمار نوشته‌های تحقیقی به شمار آورد. درباره نقش چچنی‌ها و چرکسی‌ها در بنای شهر زرقاء و استقلال اردن، پژوهشی مستقل یافته نشد. با این حال مطالعات انجام شده درباره اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مناطق همجوار زرقاء چون حوران، بلقاء، کرک و معان در سده سیزدهم و چهاردهم هجری قمری/ نوزدهم و بیستم میلادی، آگاهی‌های مفیدی در این زمینه دارند. از جمله می‌توان به تاریخ الشرکس (الآدیغه) و الشیشان فی لواء حوران و البلقاء (۱۸۷۸-۱۹۲۰) تالیف جودت حلمی ناشخو و منطقه البلقاء و الکرک و معان (۱۲۸۱-۱۳۳۷/ ۱۸۶۴-۱۹۱۸) اثر محمد سالم طروانه و محمد عنان بخیت اشاره کرد. هر چند در این پژوهش‌ها، به پرسش‌های این پژوهش پاسخی درخور داده نشده است، اما به سبب ارائه نگاهی گذرا به اوضاع مناطق همجوار با زرقاء در دوره عثمانیان و تأثیر آن بر زرقاء، اهمیت دارند. اثر ناشخو، به سبب دسترسی نویسنده به پاره‌ای اسناد، اهمیت بیشتری دارد.

1. Al- Bakhit.

جغرافیای تاریخی زرقاء از آغاز تا سده دوازدهم هجری

زرقاء/زرقا مرکز استانی به همین نام در کشور اردن است. این شهر که در ۲۳ کیلومتری شمال شرق عمّان و در ارتفاع ۶۱۰ متری از سطح دریا واقع شده است (عویدی عبادی، ۳۷۹/۱)، به سبب نزدیکی به سرچشمه رود زرقا، از شاخه‌های رود اردن، بدین نام خوانده شده است (Studies in the history and archeology of Jordan, 2/60).

برخی از پژوهشگران، قدمت زرقاء را به روم باستان رسانده‌اند و بر آنند که این شهر را حارث بن جبّله (حک: ۵۲۹-۵۶۹م) بنا کرد و منذر بن حارث (حک: ۵۶۹-۵۸۲م) از پادشاهان غسانی تابع بیزانس توسعه داد (بیک، ۶۴؛ Musil, 351). قلعه و قصر شبیب، از آثار بازمانده از این دوران است (خیاری، ۸۸/۱).

قدیمی‌ترین اشاره به نام زرقاء در روایتی از ابن سعد (متوفی ۲۳۰هـ) به روزگار پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - باز می‌گردد. بنابر این روایت، عثمان بن عفّان در یکی از سفرهای خود به شام از این شهر نام برده است (ابن سعد، ۳/۵۵). درباره فتح زرقاء، اطلاعی در دست نیست؛ به نظر می‌رسد همانند دیگر توابع اردن، در سال ۱۳ق به دست شُرْحبیل بن حَسَنه، به صلح گشوده شده باشد (بلاذری، ۱۶۰). ظاهراً در دوره اموی در سده دوم هجری، در زرقاء آثاری از جمله مسجد قصر، حمام صرح و قصر حَلَبات ساخته شد (ابوحجر، ۱۶). مقدسی در سده چهارم هجری به هنگام وصف مسیر شهرهای شام، زرقاء را یکی از منزلگاه‌های کاروان‌هایی دانسته که از عمّان و اذرعات به دمشق می‌رفتند (مقدسی، ۲۶، ۱۹۲؛ عویدی عبادی، ۴۱۷/۱)؛ هر چند به درستی دانسته نیست که زرقاء محلّ آمد و شد کاروان‌های تجاری یا مسیر حاجیان بوده است، اما این گزارش، نشان دهنده اهمیت زرقاء در این دوره است. زرقاء در اواخر قرن ششم هجری به دلیل حملات فرنگان به شام، چندی ناامن شد تا این که در ۵۷۲ق صلاح الدّین ایوبی، امنیت را به شهر برگرداند (ابوشامه، ۲۸۷/۲). زرقاء در دوره ممالیک یک چند به محلّ تکاپو و نیز پناهگاه امیران ناراضی تبدیل شد؛ امیر افرم مملوکی در ۷۰۹ق از مساعدت به ملک ناصر محمد بن قلاوون برای سیطره بر دمشق امتناع کرد و بسیاری از امیران را برای سرکشی از فرمان سلطان، در زرقاء گرد آورد (غوانمه، ۱۷۳). زرقاء از سده ششم تا زمان عثمانیان، به سبب عبور رود زرقا از آن، هم‌چنان یکی از منزلگاه‌های شام باقی ماند (ابوشامه، همانجا) و بویژه از سده نهم تا دوازدهم به سبب عبور کاروان‌های حج، بسیار اهمیت یافت (جزیری، ۲/۶۶؛ نابلسی، ۴۸۶-۴۸۷؛ خیاری،

۸۸-۹۰). خیاری (همانجا) از جمله سفرنامه نویسان مسلمانی است که اطلاعاتی بلاواسطه از داد و ستدها و انواع کالاهایی که در این برهه در منزلگاه زرقاء خرید و فروش می‌شده، به دست داده است.

علل مهاجرت چچنی‌ها و چرکسی‌ها به شام

منطقه‌ای که شهر زرقاء در آن ساخته شد، از دیرباز سکونتگاه عرب‌هایی بود که اغلب به بیابانگردی و گاه کشاورزی روزگار می‌گذرانیدند (مرزا بن سلمرزا، ۳۲۵؛ جانبی، ۳۱۳؛ ناشخو، ۱۸۳، ۱۸۴). در سده دوازدهم این عرب‌های بادیه نشین، با حکومت عثمانی به مخالفت برخاستند. عثمانیان با هدف مقابله با تجاوز آنها، قلعه‌ای در زرقاء ساختند، اما این اقدام هم موثر واقع نشد.^۱ عثمانیان در فاصله سال‌های ۱۲۹۵-۱۳۲۷ ق شماری از آوارگان چرکسی و چچنی را که سرزمین آنها در شمال قفقاز، بر اثر جنگ‌های طولانی مدت روسها، اشغال شده بود، با هدف استفاده‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی در نقاط مختلف شام از جمله زرقاء اسکان دادند (ناشخو، ۲۹-۳۱، ۴۸، ۵۳، ۱۲۹-۱۳۰؛ طروانه و بخیت، ۵۱-۵۲). ساکنان شمال قفقاز، از جمله نژادهای مختلف چرکسی و چچنی از یک سو قربانی سیاست توسعه طلبانه روسیه و از دیگر سو سیاست مهاجرپذیری عثمانیان شدند؛ چه، در پی پیمان صلح ادرنه در سال ۱۲۴۵ ق که میان دولت عثمانی با روسیه درباره تمامیت ارضی مناطق مسلمان نشین شمال قفقاز و شهرهای ساحلی دریای سیاه منعقد شد، عثمانیان اراضی متصرفی مسلمان نشین خود در قفقاز و شهرهای ساحلی دریای سیاه را از دست دادند. پس از عقب نشینی عثمانی‌ها، دولت روسیه از ساکنان چرکسی، چچنی، داغستانی و دیگر طوایف تاتار مسلمانی که دل در گرو آنها داشتند، به سختی انتقام گرفتند. قوای روس از سوی دریا، قفقاز را به شدت محاصره کرد. نتیجه این جنگ که در حدود چهار دهه یعنی تا سال ۱۲۸۱ ق ادامه یافت، نخست، مهاجرت و آوارگی ۱,۴۰۰,۰۰۰ نفر از گروه‌های مختلف چرکسی و کاهش شدید جمعیت در شمال قفقاز و دیگری، سیطره نهایی روس‌ها بر قفقاز و در نتیجه فروریختن خط حایل مرزی انسانی میان روس‌ها و عثمانیان بود. دولت عثمانی نیز کوشید از مهاجرت آنان بویژه در دو زمینه اقتصادی و نظامی بهره برداری کند و از

۱. این قلعه همان قلعه قصر شیب از بناهای برجای مانده از دوره بیزانسیان است که عثمانیان آن را بازسازی و مستحکم کردند. (نابلسی، همانجا؛ سنوسی، ۲/ ۲۶۹، ۲۷۴؛ عویدی عبادی، ۱/ ۴۲۳).

این رو، سیاست سربازگیری اجباری را در ازای اعطای حق سکونت در سرزمین‌های تحت سلطه آنها از جمله شام، بلاد بلغار و بالکان در پیش گرفت تا با استفاده از این طوایف مسلمان، به اهداف خود همچون تقویت صفوف ارتش، رفع کمبود نیروی کار برای زمین‌های کشاورزی و ایجاد مانع مستحکم انسانی برای جدایی میان استانبول با اروپا، دست یابد. این عوامل موجب شد که امپراطوری عثمانی سیاست اسکان چرکسی‌ها را در سده سیزدهم هجری در پیش گیرد و ضمن تصویب قانونی حاوی موادی فریبنده برای مهاجرپذیری در ۱۲۷۴ق، مرکزی نیز به نام «هیئة الاداره العامه للمهاجرین» برای تحقق اهداف خود در ۱۲۷۷ق تأسیس کند. از جمله قوانین مرتبط با سیاست مهاجرپذیری، می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد: نخست، اعطای حقوق و آزادی به هر مهاجر قفقازی پس از جلب نظر و اعتماد سلطان. دوم، اعطای اراضی به مهاجران و نیز معافیت از مالیات در ازای شش سال خدمت در منطقه بالکان و دوازده سال در دیگر مناطق تحت سلطه عثمانیان. سوم، به رسمیت شناختن حق مالکیت و خرید و فروش زمین برای مهاجران، مشروط به کار کردن بر روی زمین‌ها به مدت بیست سال. پیش از زمان تعیین شده، افراد حق فروش زمین و ترک منطقه محل سکونت را نداشتند و در صورت تخطی، املاک به دولت عثمانی بازگردانده می‌شد (ناشوخو، ۲۹-۳۱). در واقع عثمانیان، حدود پنج دهه پیش از شروع نخستین مهاجرت‌ها، اقدامات مقدماتی را برای پذیرش مهاجران چرکسی، چچنی و داغستانی که ناگزیر سرزمین‌هایشان را در مقابل حملات روس‌ها می‌کردند، به کار گرفته بود.

دولت عثمانی از ۱۲۹۵ق بر آن شد تا مهاجران چرکسی را بویژه در حاشیه خط راه آهن استراتژیکی در حال احداث حجاز - شام که به طول ۱۴۰۰ کیلومتر، اسکان دهد. قبایل بدوی نیرومندی چون بنی حسن که در بیابان‌های منطقه زرقاء و عمان سکونت داشتند، این خط آهن را تهدیدی برای منافع تجاری خود می‌دانستند، از این رو همواره سرزمین‌های واقع در مسیر این خط آهن را به آشوب می‌کشیدند؛ امری که طوایف چرکسی پیش از مهاجرت به شام، هرگز اهمیت آن را درک نکرده بودند. در ۱۲۹۵ق گروهی از مهاجران به عمان انتقال یافتند و به فرمان دولت عثمانی، در نزدیکی بقایای برجای مانده از دوره رومیان ساکن شدند و افزون بر حفاظت از خط آهن، اراضی اعطایی از سوی عثمانیان را به زیر کشت بردند. خدمات چرکسی‌ها به عثمانیان بدین حد محدود نشد و آنها به دفاع از روستاها در مقابل حملات قبایل بدوی نیز پرداختند و

مالیات‌های عینی و نقدی زارعان را به تمام گردآورده، در اختیار دولت عثمانی گذاشتند. بدین سبب همواره از سوی عثمانی‌ها حمایت می‌شدند (همان، ۵۳، ۷۸-۷۹). با این همه، شهر زرقاء به دست این گروه و در این دوره ساخته نشد، بلکه گروه دیگری از پناهجویان شمال شرق قفقاز، این شهر را بنا کردند. این گروه که متشکل از ۷۰۰ خانواده به زعامت شخصی به نام محمد امر نورانی بودند، در ۱۳۱۹ق به توسط قطارهایی که بین قفقاز و اراضی عثمانی در رفت و آمد بود، به قلعه حسن در آناتولی/ آناتولی، در قلمرو عثمانی، انتقال یافتند و منطقه زرقاء را برای سکونت برگزیدند (مرزا بن سلمرزا، ۳۱۶-۳۱۸؛ جانبی، ۳۱۱، ۳۱۳؛ ناشخو، ۱۲۹). در سال ۱۳۲۰ق حدود ۱۲۰ خانواده از این گروه که بالغ بر ۸۲۴ نفر می‌شدند، با قطار به زرقاء عزیمت کردند تا به فرمان حکومت عثمانی بر روی خط راه آهن مذکور کار کنند. زرقاء در آن هنگام کم‌اهمیت و فاقد هر گونه آبادانی بود و در بخش جنگلی آن که در مقابل ریزشگاه رود زرقاء قرار داشت، انواع حیوانات گیاه خوار و درنده می‌زیست. در رود زرقاء نیز انواع ماهی‌ها وجود داشت و در منطقه بلقاء حیواناتی از جمله خرگوش و آهو برای صید یافت می‌شد (همان، ۴۸، ۷۸). ظاهراً شماری از نیروهای عثمانی به نگهبانی پل‌های در حال احداث ایستگاه راه آهن حجاز - شام گماشته شده بودند (شیشانی، ۳۰۴) و عرب‌های بنی حسن نیز صرفاً در نزدیکی‌های رود زرقاء، چادر زده و کشاورزی می‌کردند (مرزا بن سلمرزا، ۳۲۵؛ ناشخو، ۱۸۳). سرانجام، چچنی‌ها نه در محل اولیة زرقاء که به احتمال قوی اثری از آن باقی نبود، بلکه در غرب خط راه آهن اخیر سنگ بنای روستای جدید زرقاء را گذاشتند و در سال ۱۳۲۰ق شروع به خانه سازی کردند. چچنی‌ها بر خلاف قبایل بدوی که به این منطقه به سبب وجود قصر شیبب، «قصر» می‌گفتند و رودی که از آن می‌گذشت را «عین الزرقا» می‌خواندند، به افتخار پیروزی‌های چشمگیر «زارجون» امپراتور قدرتمند سامی در سرزمین باستانی کنعان و مصر، این روستا و رود آن را زارجون نام نهادند. اما به تدریج نام روستا از زارجون به سارقی و سپس زرقاء تغییر یافت (شیشانی، ۳۰۴-۳۰۵).

شماری از مهاجران زرقاء، در پی اختلاف با عرب‌ها بر سر تقسیم اراضی، از زرقاء کوچ کردند و اراضی اعطایی را رها ساختند (ناشخو، ۱۱۵، ۱۳۰). از این رو، دولت عثمانی در سال ۱۳۲۲ق قانونی تحت عنوان «ارض نامه» وضع کرد که سیاست تقسیم اراضی را در میان مهاجران، تبیین می‌کرد. در نتیجه بخش‌های زیادی از زمین‌های زرقاء

(حدود ۱۴/۴۰۰ متر مربع)، به آنها واگذار شد (شیشانی، ۳۰۵). پس از این اقدام، شمار زیادی از آوارگان چینی و حتی داغستانی در سه مرحله در سال‌های ۱۳۲۰ق، ۱۳۲۳ق و ۱۳۲۸ق راهی زرقاء شدند. اما به علت مهاجرت گسترده چینی‌ها به منطقه زرقاء، دولت عثمانی در سال ۱۳۳۳ق این قانون را بازنگری کرد (ناشخو، ۱۳۰، ۱۳۲-۱۳۳). به رغم این که بخش اعظم اراضی زرقاء، به سبب قرار گرفتن در منطقه بیابانی، لم یزرع و همواره در معرض قحطی و خشکسالی بود (جانبی، ۳۱۳؛ ناشخو، ۱۸۴)، چرکسی‌ها و چینی‌ها در مدت کوتاهی، مساحت زیادی از زمین‌ها را از جنوب زرقاء تا عوجان و از شمال تا روستای سَخَنَه برای کشاورزی احیا کردند و سدها و کانال‌ها و نیز آسیاب‌هایی ایجاد کردند که با آب رود زرقاء کار می‌کرد (شیشانی، ۳۰۵). با این حال، اقدام دولت عثمانی برای عرب‌های بادیه نشین زرقاء چندان خوشایند نبود و آنان کوشیدند تا مهاجران را وادار به کوچ کرده یا از کشاورزی بازدارند (مرزا بن سلمرزا، ۳۲۶؛ ناشخو، ۱۸۳). دولت عثمانی در سال‌های ۱۳۳۰ق و ۱۳۳۳ق تفاهم نامه‌ای مبنی بر تقسیم آبها، میزان و شیوه زراعت بر روی اراضی و سهم هر یک از طرفین از محصولات، برای بهبود روابط میان آنان تنظیم کرد و از مهاجران چینی نیز تعهد گرفت تا بر اراضی مختص اهالی مجاور و دولت عثمانی دست دازی نکنند (همان، ۱۸۳-۱۸۶). چه، آنان فقط از سوی بدویان در تنگنا نبودند، بلکه دروزیان شام نیز اغلب به دلیل مخالفت با دولت عثمانی، به سکونتگاه‌های آنها حمله می‌کردند (همان، ۱۵۱). به رغم این توافق، بدویان، بارها به مزارعات چینی‌ها تعرض کرده و با آنها درگیر شدند. از این رو، مهاجران با نهما روابط حسنه‌ای نداشتند. این درگیری‌ها به رغم شمار اندک مهاجران، نسبت به دیگر قبایل در زرقاء، ظاهراً به دلیل برخورداری از پشتوانه‌های حکومتی و در نتیجه قدرت و نفوذ بیشتر، اغلب به نفع مهاجران تمام می‌شد (همان، ۱۵۱-۱۵۲، ۱۸۳-۱۸۴).

فعالیت‌های چرکسی‌ها و چینی‌ها برای پیشرفت و دگرگونی زرقاء در دوره عثمانی، به زراعت بر روی زمین‌ها محدود نبود، بلکه شماری از آنها به دامپروری روی آوردند و شماری نیز نقش مهمی در ایجاد و گسترش فعالیت‌های تجاری ایفا کردند (شیشانی، ۳۰۵). آنها گندم، جو، عدس و نخود را به نقاط مختلف از جمله بیت المقدس، لُد و رَمَلَه صادر و در مقابل روغن زیتون، حبوبات، گاز و شکر را از بیت المقدس و پارچه، البسه و شیرینی‌جات را با قطار از دمشق به بازارهای تجاری زرقاء وارد می‌کردند (ناشخو، ۲۱۱-۲۱۲). به علاوه، بازارهای محلی و آسیاب‌های زرقاء نقش مهمی در تامین مایحتاج

نیروهای عثمانی و قبایل عرب بدوی آنجا داشت. افزون بر این، بسیاری از مهاجران به ارتش عثمانی ملحق و برخی نیز به کار ساخت و گسترش خطوط راه آهن گماشته شدند (شیشانی، ۳۰۵). سرانجام، با عبور خط راه آهن حجاز-دمشق از زرقاء در سال ۱۳۲۲ ق که عمّان و معّان را به دمشق متصل می‌کرد (عویدی عبادی، ۴۱۶؛ ابوحجر، ۱۶) و نیز تأسیس اداره پست که ظاهراً به دلیل سرعت زیاد در نقل و انتقالات، «مکتب برید النار» خوانده می‌شد، گام‌های بلندی به سوی تحوّل و پیشرفت برداشته شد و ظاهراً از این پس زرقاء به شهر تبدیل شد (شیشانی، ۳۰۵-۳۰۶). زرقاء بر اساس تقسیمات اداری چهارگانه عثمانیان از شهرهای شرق اردن (عمّان، آربد، کرک و سلط)، در بخش آربد قرار گرفت (کردعلی، ۲۲۹/۳).

چچنی‌ها و چرکسی‌ها و استقلال اردن

در سال‌های نخست جنگ اول جهانی، هزاران نفر از نیروهای نظامی عثمانی برای تقویت ارتش که در جنوب و غرب اردن آهنگ عقب نشینی داشت و نیز با هدف دفاع از عمّان، به زرقاء سرازیر شدند و در ۱۳۳۷ ق شمار کثیری از هم پیمانانشان از جمله آلمان‌ها به آنها پیوستند. در این سال جمال پاشا که در خلال جنگ، فرماندهی لشکریان عثمانی را بر عهده داشت، به همراه شماری از فرماندهان و مستشاران ترک و آلمانی، به زرقاء رفت و از این شهر برای سکونتگاه و محلّ تأمین مایحتاج و آذوقه قوای نظامی و نیز مکاتبات و انتقال اخبار، بهره برد. چچنی‌ها، این نیروها را یاری کردند و حتی خانه‌های خود را برای اسکان، در اختیار آنها گذاشتند. از رو جمال پاشا، حسن حسنی عبدالقادر، رئیس چچنی‌ها، را در حضور شماری از صاحب منصبان عالی نظامی، به فرماندهی کل ارتش عثمانی برگزید. با این همه، جمال پاشا در دستیابی به اهداف خود توفیقی نیافت و حتی بسیاری از نیروهای وی ناگزیر عقب نشستند. این امر باعث خشم و نارضایی همگان بویژه بدویان زرقاء شد، به گونه‌ای که رئیس قبیله خریشان، از قبایل بدوی بنی صخر در زرقاء، به تحرکاتی بر ضد عثمانیان دست زد و با ساماندهی حملاتی در مسیر خط راه آهن زرقاء، آشوب به پا کرد (شیشانی، ۳۰۶-۳۰۷).

زرقاء در پی حملات هوایی بریتانیا در اواخر جنگ اول جهانی در ۱۳۳۷ ق سقوط کرد و خسارت‌هایی دید (شیشانی، ۳۰۸). این منطقه پس از این رویداد و نیز پایان جنگ که به شکست عثمانیان و هم پیمانانش، انجامید، ناامن شد. در اواخر سال

۱۳۳۷ ق بزرگان چینی، از ملک فیصل بن حسین، حاکم سوریه و عراق، برای تأمین امنیت زرقاء استمداد جستند. وی گروهی ۱۵۰ نفری بدانجا فرستاد و آنها ضمن تقسیم به دو دسته، بخشی ایستگاه راه آهن زرقاء و بخشی دیگر قصر شبیب را مرکز قرار داده و از آنجا امنیت زرقاء را تأمین کردند (همان، ۳۰۷). قوای ملک فیصل از ۱۳۳۷ ق تا ۱۳۳۹ ق در زرقاء حضور داشتند (البخیت، همانجا).

در سالهای پایانی جنگ اول جهانی، شریف مکه، حسین بن علی، بارها با ارسال نامه‌هایی کشورهای عربی را به آزادی خواهی و استقلال طلبی و عرب‌ها را به صفوف مبارزه فرا خواند. حسن حسنی عبدالقادر چینی از جمله کسانی بود که این نامه‌ها را از دمشق به زرقاء می‌برد. پس از سقوط زرقاء در سال ۱۳۳۷ ق به دست نیروهای بریتانیایی، جنبش استقلال طلبی شدت گرفت و توده‌های مردم در جستجوی حکومتی مردمی برآمدند. از این رو جوانان مبارز زرقاء به نیروهای ملک فیصل در دمشق پیوستند و در سال ۱۳۳۹ ق در قیام بر ضد دولت فرانسه شرکت کردند و شماری از آنان در این راه کشته شدند و برخی دیگر نیز پس از انجام این تکلیف، برای ادامه این راه، به زرقاء بازگشتند (شیشانی، ۳۰۸).

در سال ۱۳۳۹ ق افسری بریتانیایی، شماری از اهالی زرقاء از جمله سه تن از بزرگان چینی را به اتهام تحریک توده‌ها برای تشکیل دولت مستقل اردن به رهبری عبدالله بن حسین، برادر ملک فیصل، دستگیر و در زندان سلط محبوس کرد. این افراد با وساطت شهردار عمّان و برخی رجال عرب آزاد شدند (همان، ۳۰۷-۳۰۸).

در سال ۱۳۴۰ ق نمایندگان از اهالی زرقاء م مناطق دیگر که حسن حسنی عبدالقادر چینی نیز در میان آنها بود، اتحادیه‌ای تشکیل دادند و دست بیعت به سوی امیر عبدالله بن حسین دراز کردند. در نتیجه امیر عبدالله بن حسین به عمّان و سپس زرقاء رفت و با شیوخ قبایل بدوی از جمله بنی حسن، بنی صخر، دعبه و دیگر سکنه زرقاء دیدار کرد و آنها با امیر عبدالله پیمان وفاداری و فرمانبری بستند. مردم زرقاء و همه حاضران از دیگر نقاط در این جشن ملی بزرگ شادی‌ها کردند و پس از آن امیر را به ضیافتی که بزرگان چینی زرقاء ترتیب داده بودند، فراخواندند (همان، ۳۰۸-۳۰۹).

در خلال سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۴۱ ق در طی دو مرحله شماری از آزادیخواهان سوری که از سوی دولت فرانسه تحت تعقیب بودند، به زرقاء پناه آوردند. دسته نخست در سال ۱۳۴۰ ق به روسای چینی پناه بردند و از آنها وعده یاری گرفتند. دسته دوم که حدود

۳۰۰ خانواده دروزی مقیم سوریه بودند، در سال ۱۳۴۱ق و در پی تشدید فشارهای فرانسویان بر استقلال طلبان، در شمال زرقاء چادر زدند. محمود سراج، سائر سراج، سامی پاشا ترکی، سلطان پاشا اطرش، امیر شکیب ارسلان، عبدالوهاب ارسلان، عبود ارسلان، و حسن اطرش از جمله این افراد بودند (همان، ۳۰۹-۳۱۰).

زرقاء در سال ۱۳۴۵ق به مقرر فرماندهی قوای مرزی اردن برگزیده شد تا امنیت را در منطقه برقرار سازد (البخیت، همانجا؛ عویدی عبادی، ۴۱۶). این مرکز هم چنان تحت حمایت بریتانیا باقی ماند، تا این که در پی استقلال اردن در سال ۱۳۶۸ق، با نام الزرقاء مرکز یکی از استان‌های دوازده‌گانه گشت (www.statoids.com/ihj.html). در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۴ق شماری از فلسطینیان که به دلیل تشکیل دولت اشغالگر اسرائیل آواره شده بودند، به زرقاء روی آوردند و در آنجا سکونت یافتند (البخیت، همانجا؛ Pati, 83).

نقش علمی - فرهنگی چینی‌ها و چرکسی‌ها در زرقاء

زرقاء، امروز یکی از شهرهای فرهنگی اردن به شمار می‌رود و چرکسی‌ها و چینی‌ها در این مهم بر دیگر گروههای قومی - نژادی فضل تقدم دارند؛ آنها به رغم اشتغال به امور معیشتی و حیاتی در سال‌های نخستین ورود به زرقاء، از توجه به تعلیم و تربیت نیز غافل نبودند و فرزندان خود را برای آموزش علوم دینی به جامع زرقاء که ملک عادل عثمانی قبل از جنگ اول جهانی در سال ۱۳۳۰ ق بنا کرده بود، می‌فرستادند. جامع زرقاء به دلیل آن که اغلب طلبان و نیز نمازگزاران آن چینی‌ها بودند، به جامع چینی مشهور شد. به علاوه، آنها در مکتب خانه‌ها نزد معلمان چینی که از فقیهان بزرگ و دست پروردگان علمای دینی بودند، زبان عربی می‌آموختند. معلمان، معانی قرآن، قصص پیامبران و امور دینی از قبیل عبادات و احکام را با هدف تفهیم بهتر، به زبان چینی آموزش می‌دادند. با این همه، در دوره عثمانیان در زرقاء مدرسه‌ای دولتی بنا نگردید و نخستین مدرسه آن در سال ۱۳۵۴ق در دوره قیمومت بریتانیا تأسیس شد (ناشخو، ۲۳۴-۲۳۵، ۲۴۸). چرکسی‌ها نه تنها در امر آموزش در زرقاء پیشتاز بودند، بلکه آثار برجای مانده در موزه‌های زرقاء، نشان از مهارت آنها در ساخت و تولید انواع ابزار آلات کشاورزی و جنگی و نیز هنرهای زیبا از جمله نقره کاری و طلا کاری دارد (ناشخو، ۱۹۰، ۲۰۱-۲۰۴، ۲۰۶-۲۰۷).

نتیجه

در فاصله سال‌های ۱۲۹۶-۱۳۲۷ق دولت عثمانی شماری از آوارگان چرکسی و چچنی را که سرزمین آنها در شمال قفقاز، بر اثر سیاست توسعه طلبانه روسها اشغال شده بود، در نقاط مختلف شام اسکان داد. هدف عثمانی‌ها بهره‌مندی از خدمات اقتصادی، سیاسی و نظامی این گروه بود. شمار زیادی از این مهاجران، پس از ورود به شام، منطقه زرقاء را برای سکونت برگزیدند و به دلیل حمایت‌های گسترده عثمانیان و در نتیجه دستیابی به زمین‌های بسیار در زرقاء، قدرت را از دست عرب‌های بدوی خارج کردند. این مهاجران، سنگ بنای زرقاء را در نزدیکی خط راه آهن حجاز - شام که برای اهداف دولت عثمانی ایجاد شده بود، نهادند. اقدامات طوایف مختلف چرکسی و چچنی برای ساخت و آبادانی زرقاء و نیز کمک به عثمانی‌ها برای دستیابی به اهدافشان، بدین جا ختم نشد، بلکه آنها موجب رونق کشاورزی، دامپروری و حتی تجارت زرقاء شدند و ضمن تکمیل خط راه آهن حجاز - شام، به قوای نظامی عثمانی در جنگ اول جهانی، خدمات ارزنده‌ای ارائه کردند. این مهاجران همچنین در زمینه علمی و فرهنگی و آموزشی نیز اقدامات قابل توجهی انجام دادند. همچنین در برخی از هنرهای زیبا از جمله نقره کاری و طلا کاری و نیز ساخت و تولید انواع ابزار آلات کشاورزی و جنگی بر دیگر گروههای قومی - نژادی در زرقاء فضل تقدّم یافتند. با این همه، دولت عثمانی به دلیل شکست در جنگ اول جهانی، به مقاصد خویش دست نیافت. بر رغم شکست عثمانیان و هم پیمانانش در این جنگ و در نتیجه سقوط زرقاء در سال ۱۳۳۷ق به دست نیروهای بریتانیایی، چچنی‌ها و چرکسی‌ها از کوشش باز نایستادند و این بار به ندای استقلال طلبی سرزمین‌های عربی پاسخ گفتند. و زرقاء را به پناهگاهی ایمن برای آزادی خواهان بدل ساختند و شماری نیز در راه استقلال کشور اردن از زیر سلطه بریتانیا، جان خود را فدا کردند.

منابع

- ابن سعد، محمد، *الطبقات الکبری*، بیروت: بی تا.
- ابوحجر، آمنه ابراهیم، *موسوعة المدن العربیة*، دار اسامه، عمان: ۲۰۰۲
- ابوشامه دمشقی، شهاب الدین عبدالرحمن بن اسماعیل، *الروضتین فی اخبار الدولتین النوریة و الصلاحیة*، چاپ ابراهیم شمس الدین، بیروت: ۲۰۰۲/۱۴۲۲.
- بلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، چاپ عبدالله انیس طباع و عمر انیس طباع، بیروت: ۱۹۸۷/۱۴۰۷.
- بیک، فردریک جerald، *تاریخ شرق اردن و قبائلها*، ترجمه بهاءالدین طوقان، بغداد، مکتبه النهضه: ۱۹۳۴/۱۳۱۳.

- جانبی، محمدجعفر، «وثیقه رقم ۸» در *تاریخ الشركس (الادیغه) و الشیشان فی لواءى حوران و البلقاء (۱۸۷۸-۱۹۲۰)*، جودت حلمی ناشخو، منشورات لجنة تاريخ الاردن، عمّان: ۱۹۹۵.
- جزیری، عبدالقادر بن محمد، *الدرر الفرائد المنظمة فی اخبار الحاج و طریق مکة المعظمة*، چاپ محمد حسن محمد حسن اسماعیل، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۲۰۰۲/۱۴۲۲.
- جغرافیای کشورهای جهان*: اردن، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران: ۱۳۸۹ ش.
- خیاری، ابراهیم بن عبدالرحمن، *تحفة الادباء و سلوة الغرباء*، چاپ رجاء محمود سامرائی، بغداد: ۱۹۷۹.
- سنوسی، محمد بن عثمان، *الرحلة الحجازیة*، چاپ علی شنوفی، الشركه التونسیه للتوزیع، تون: ۱۹۸۱/۱۴۰۱.
- شیشانی، حسن حسنی عبدالقادر، «وثیقه رقم ۷» در *تاریخ الشركس (الادیغه) و الشیشان فی لواءى حوران و البلقاء (۱۸۷۸-۱۹۲۰)*، جودت حلمی ناشخو، منشورات لجنة تاريخ الاردن، عمّان: ۱۹۹۵.
- طروانه، محمد سالم و بخیت، محمد عنان، *منطقة البلقاء و الكرك و معان (۱۲۸۱-۱۳۳۷)* ۱۸۶۴-۱۹۱۸، لجنة تاريخ الاردن، عمّان: ۱۹۹۳.
- عویدی عبادی، احمد، *الاردن فی كتب الرحالة و الجغرافیین المسلمین حتّى عام ۱۸۸۱*، الاهلیه للنشر و التوزیع، اردن: ۲۰۰۶.
- غوانمه، یوسف درویش، *التاریخ السیاسی لشرقی الاردن فی العصر المملوکى الاول*، عمان: ۱۹۸۲.
- کردعلی، محمد، *خطط الشام*، دارالعلم للملایین، بیروت: ۱۳۹۰-۱۳۷۰.
- مرزا بن سلمرزا بن شحمرزا، «وثیقه رقم ۹» در *تاریخ الشركس (الادیغه) و الشیشان فی لواءى حوران و البلقاء (۱۸۷۸-۱۹۲۰)*، جودت حلمی ناشخو، منشورات لجنة تاريخ الاردن، عمّان: ۱۹۹۵.
- مقدسی، محمد بن احمد بن ابی بکر، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، لیدن: ۱۹۶۷.
- نابلسی، عبدالغنی، *الحقیقة و المجاز فی الرحلة الی بلاد الشام و مصر و الحجاز*، چاپ احمد عبدالمجید هریدی، هیئة المصریة العامة للکتاب، قاهره: ۱۹۸۶.
- ناشخو، جودت حلمی، *تاریخ الشركس (الادیغه) و الشیشان فی لواءى حوران و البلقاء (۱۸۷۸-۱۹۲۰)*، منشورات لجنة تاريخ الاردن، عمّان: ۱۹۵۵.
- Al- Bakhit, M. A. (2002). *EF²*, s.v, "Al- Zarka", Leiden: 2002.
- Musil, Alois, *Arabia Deserta*, New York: 1927.
- pati, Raphael, *The kingdom of Jordan*, Princeton: 1958.
- salibi, kamal, *The modern history of Jordan*, London and New York: 1998.
- Studies in the history and archeology of Jordan*, .Edited by Aadnan Hadidi, Amman: 1982.
- United Nations demographic year book 2009- 2010*, New York: 2011.

Archive of SID

Archive of SID